

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صفحات ۸۵-۱۰۸

## تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی:

### مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم

علی اکبر عنابستانی، رضا خسرویگی، علی اکبر تقیلو، و محمدحسن اکبری\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱

#### چکیده

مشارکت همانا شرکت آگاهانه و خودانگیخته افراد در برنامه توسعه است و از ارکان اساسی توسعه روستایی به شمار می‌رود. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی جوامع روستایی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت روستاییان است. مقاله حاضر بر آن است که با رویکردی همه‌جانبه و در قالب روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی، سطح مشارکت و عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر آن را در ۲۵ سکونتگاه روستایی بخش مرکزی شهرستان جهرم مشخص سازد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه در حجم نمونه ۳۸۴ نفر انجام می‌شود. براساس آزمون t استیودنت، سطح مشارکت در اغلب شاخص‌های مورد نظر به جز شاخص‌های «احترام به دیگران» و «امانتداری در کارهای روزمره» به گونه‌ای معنی‌دار کمتر از حد مورد انتظار است. در رتبه‌بندی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت، شاخص‌هایی همچون «اهمیت تصمیمات جمعی نسبت به تصمیمات فردی»، «علاقه‌مندی

\* به ترتیب، نویسنده مسئول و دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد (anabestani@um.ac.ir)؛ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ارومیه؛ و کارشناس ارشد دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.

مردم به حل مشکلات محله» و «ارتباطات اجتماعی»، که در راستای تقویت فعالیت‌های جمعی است، در تبیین میزان مشارکت مردم بیشترین سهم را دارند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که معیار «شبکه اجتماعی»، با ضریب تعیین ۰/۶۷۹، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت در نواحی روستایی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت روستایی / اعتماد اجتماعی / انسجام اجتماعی / شبکه اجتماعی / مرکزی (بخش در شهرستان جهرم) / جهرم (شهرستان).  
\*\*\*

### مقدمه و طرح مسئله

امروزه، اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی بر کسی پوشیده نیست (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه امکانات، مشارکت مردم راهکار اصلی و محوری به‌شمار می‌رود (جمعه‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۳). از منظر نظام‌مندی و کارکردی، مشارکت را سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادینه‌سازی آن به سقوط و انقراض نظام اجتماعی می‌انجامد (سلیمی، ۱۳۸۹: ۵۹). به دیگر سخن، مشارکت یک حرکت نظام‌دار است که از افراد، گروه‌ها و جامعه سر می‌زند و هدفی خاص را دنبال می‌کند، حرکتی که از شرایط و امکاناتی بهره می‌گیرد یا با موانعی مواجه می‌شود (موسایی و شیبانی، ۱۳۸۹: ۲۵۳) و از عوامل ساختاری تأثیر می‌پذیرد. از نظر تالکوت پارسونز (۱)، انسان در کنش خود آزاد است و کنش نیز گرچه تا حدی ارادی و اختیاری است، ولی آزاد مطلق نیست و کنش‌گر براساس شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌کند؛ بنابراین، عوامل و شرایط کلان کنش انسان را مقید و مشروط می‌کند. پارسونز بر این باور است که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در عمل، سازنده شرایط ساختی کنش‌اند (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۳۴)؛ و الگو و جهت‌گیری‌های کنشی تا حد زیادی نتیجه کارکرد بنیادین ساختارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مسلط بر جامعه است.

بنابراین، هر تعریفی که از مشارکت ارائه شود، مستلزم لحاظ کردن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مسلط در ساختار جوامع روستایی است. این ارزش‌ها زیربنای توسعه مشارکت مردم در فرایند توسعه روستایی به‌شمار می‌رود؛ زیرا مشارکت در سلسله‌اموری مستمر، متأثر از هیئتی پرتحرک متشکل از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است (بیرو، ۱۳۶۶: ۷۸). بنابراین، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌مثابه خمیرمایه ساختی کنش میان مردم، ایفاگر نقشی مهم در تسهیل مشارکت و یا تحدید آن است؛ و از این‌رو، برای ارتقای سطح مشارکت مردم در عمران روستایی و درگیر کردن آنها در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، شناسایی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مسلط بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی امری اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. به همین منظور و با توجه به اهمیت بیش از پیش مشارکت در فرایند برنامه‌های عمرانی توسعه روستایی، در سال‌های اخیر، در راستای اجرای این رویکرد در مناطق روستایی تلاش‌های فراوان به عمل آمده است. با این همه، پروژه‌های اتخاذ شده در این زمینه کارآیی لازم را نداشته و از این‌رو، با موفقیتی همراه نبوده است. چنین می‌نماید که معیارها و راهبردهای در نظر گرفته شده در این زمینه زوایای پنهان ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نظام سکونتگاه‌های روستایی را پوشش نداده و تلاشی برای آشکارسازی تعاملات فرهنگی و پویای ساخت نظام اجتماعی به عمل نیآورده است. این در حالی است که مشارکت به‌مثابه یکی از راهبردهای مؤثر توسعه روستایی با تحول فرهنگی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. به همین منظور، پژوهش حاضر بر آن است که با شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت مردم در بخش مرکزی شهرستان جهرم، گامی مؤثر در راستای تدوین شاخص‌های مشارکت در مناطق روستایی بردارد و با لحاظ کردن جهت‌گیری‌های ارزشی در این مناطق، الگویی مطلوب از مفهوم مشارکت ترسیم کند. بدین ترتیب، سؤالات اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود: «چرا با وجود تأکید فراوان بر مشارکت مردم در برنامه‌های عمرانی توسعه روستایی، شکل‌گیری همکاری و مشارکت مردم در روستاها چندان مطلوب نبوده

است؟» و «آیا وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم در میزان مشارکت آنها در برنامه‌های عمرانی توسعه روستایی تأثیر دارد؟».

### پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، تحقیقاتی محدود در زمینه عوامل مداخله‌گر اجتماعی و فرهنگی مؤثر در میزان مشارکت و شناسایی مؤلفه‌های اصلی آن در نواحی روستایی صورت گرفته است. «بررسی نگرش‌های اجتماعی روستاییان نسبت به مشارکت اجتماعی» تحقیقی است که در ۱۳۸۸، دانش‌مهر و احمدرش در روستای دشه از توابع شهرستان پاوه انجام داده‌اند و براساس نتایج آن، هر چه میزان نوگرایی، تمایل به کارگروهي و اعتقاد به ترقی و پیشرفت در میان روستاییان بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز در میان آنها بالاتر است، در حالی که اعتقاد به طایفه‌گرایی و تقدیرگرایی در میان روستاییان به-مثابه موانع مشارکت در نظر گرفته شده است. «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان» تحقیق دیگری است که در ۱۳۸۸، گل‌شیری اصفهانی و همکارانش در روستاهای بخش گندمان شهرستان بروجن به انجام رسانده‌اند؛ و یافته‌های آن نشان می‌دهند که از لحاظ آماری، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی روستاییان وجود دارد. همچنین، ازکیا و غفاری (۱۳۸۴) در بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان بر این باورند که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی معنی‌دار به میزان ۰/۴۱ میان آنها وجود دارد. تحقیق حاضر، با مرور اجمالی بر تحقیقات صورت گرفته در پی آن است تا با رسوخ در مفاهیم بنیادین فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت، روابط متغیرها با یکدیگر را در راستای فرایند مشارکت عمومی به‌گونه‌ای مناسب و جامع تبیین کند و با تشریح نقش هر کدام از ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون در تحقق مشارکت، یک مدل مفهومی مناسب از این روابط را به نمایش بگذارد؛ و در ادامه نیز می‌کوشد تا با لحاظ کردن تمامی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت، وضعیت واقعی مشارکت را در منطقه مورد مطالعه نمایانده، پیش‌شرط‌های

رسیدن به یک وضعیت مشارکتی مطلوب را معرفی کند. در واقع، هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع فرهنگی و اجتماعی مشارکت و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود این شرایط در نواحی روستایی مورد مطالعه در بخش مرکزی شهرستان جهرم است.

## مبانی و چارچوب نظری

### مشارکت

مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که در بردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی از انداختن رأی به صندوق گرفته تا مساعدت مستقیم در برآوردن نیازهای اجتماعی و نیز دخالت در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاری آنها بدان بستگی دارد (جباری، ۱۳۷۸: ۸). بنیادی‌ترین اندیشه زیربنایی مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در راستای بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (عنبری و حسنونند، ۱۳۸۹: ۱۳۲). بنا به تعریف، مشارکت در وهله نخست عبارت است از ابزار جمع‌آوری اطلاعات محیطی برای تصمیم‌گیری که هسته مفهومی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد» (Primmer and Kyllonen, 2006: 841). در بحث مشارکت مردم و موفقیت هر چه بیشتر تشکل‌ها در نواحی روستایی، باید دو نکته را مد نظر قرار داد: نخست آنکه باید افراد را تشویق به مشارکت کرد، زیرا در توسعه نواحی روستایی، این افراد هستند که نقش کلیدی را ایفا می‌کنند؛ و دیگر آنکه باید فرصت‌هایی برای وضوح هر چه بیشتر تقاضاهای روستاییان از مسئولان و دست‌اندرکاران فراهم شود، زیرا ایجاد تشکل‌های مردمی را می‌توان پل ارتباطی بین نیازهای مردم روستا و مسئولان قلمداد کرد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۹). مشارکت عمومی فرایندی مؤثر است که از طریق آن، مردم، اشخاص یا گروه‌های سازمان‌یافته می‌توانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه نظر پردازند و از توانایی لازم برای تصمیم‌سازی و غلبه بر نیروهای خارجی برخوردار شوند (Finger-Stich and Finger, 2002: 101). «چگونه می‌توان فرایند

مشارکت در نواحی روستایی را رقم زد؟»، سازوکار آن عبارت است از آنکه با تشویق و هم‌صدایی گروه‌هایی که به‌طور سنتی به حاشیه رانده شده‌اند و با مذاکره و همکاری بین بخش‌های مختلف اجتماعی و نیز با اعتماد و هماهنگی بین آنها مشارکت افزایش خواهد یافت (Coelho and Favareto, 2008: 2939).

### ابعاد و معیارهای فرهنگی و اجتماعی مشارکت

چنانچه مشارکت را عمل و تعهد فرض کنیم، آنگاه می‌توان آن را محصول برخی پیش-عاملیت‌هایی دانست که در پژوهش حاضر، پیش‌شرط‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت تعریف و به دو بخش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی تقسیم می‌شوند: سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند. این سرمایه از تعامل‌های هر روزه بین افراد به‌وجود می‌آید (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۶). در شکل‌گیری این سرمایه خانواده، دوستان و همکاران یک دارایی بسیار مهم را تشکیل می‌دهند که هر فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آنها را به‌کار گیرد و از آنها بهره‌گیری کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۶). با این اوصاف، می‌توان سرمایه اجتماعی را به‌طور خلاصه، هنجارها و شبکه‌هایی دانست که امکان مشارکت مردم در امکانات جمعی را به‌منظور کسب سود متقابل فراهم می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱). از نظر پوتنام (۲)، شاخص‌های سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از اعتماد، هنجارها، و شبکه مشارکت اجتماعی (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). بنا به تعریف پوتنام، سرمایه اجتماعی عبارت است از پدیده‌های زندگی اجتماعی، شبکه، هنجار و اعتماد که برای پیشبرد اهداف، به نهادها توان لازم را می‌دهد (Titeca and Vervisch, 2008). از آنجا که نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌های تولیدی و تأثیر آن بر تقویت و تحلیل همکاری‌ها در میان اعضای تعاونی تولید (کیانی و میرزاپور، ۱۳۸۸: ۱۲۹) روشن شده، می‌توان گفت که زیربنای مشارکت و موفقیت تشکلهای مشارکتی سرمایه اجتماعی است.

کاهش اعتماد اجتماعی روستاییان به عملکرد دولت از موانع مهم اجتماعی مشارکت گسترده مردم در دستیابی به توسعه روستایی است (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). اعتماد اجتماعی به‌مثابه مهم‌ترین شاخصه سرمایه اجتماعی بر میزان مقبولیت،

کارآیی، رضایت، تسهیل قدرت عمل، جمع‌گرایی و اشتراک مساعی به‌جای فردگرایی و نیز بر انتظار عمل صادقانه و تشکیل روابط ثانوی در فضای اجتماعی دلالت دارد که از انتظارات روستاییان از یکدیگر یا دیگران به‌شمار می‌رود (شاهرودی و چیدری، ۱۳۸۶: ۳۰۳). مطالعه انسجام اجتماعی نیز سابقه‌ای دیرینه در علوم اجتماعی دارد؛ در هر کجا که ارتباط و پیوند انسجام اجتماعی با دیگر کنش‌ها و فرایندهای اجتماعی همچون مشارکت در اشکال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن مطرح می‌شود، همه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی بر اهمیت پیوند بین انسجام و مشارکت تأکید می‌کنند (گل‌شیری اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۲). شبکه اجتماعی مردم را بیشتر به همکاری و اعتمادپذیری تشویق می‌کند تا شرایط انفرادی ناشی از پی‌جویی نفع شخصی (شادی‌طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۳۷).

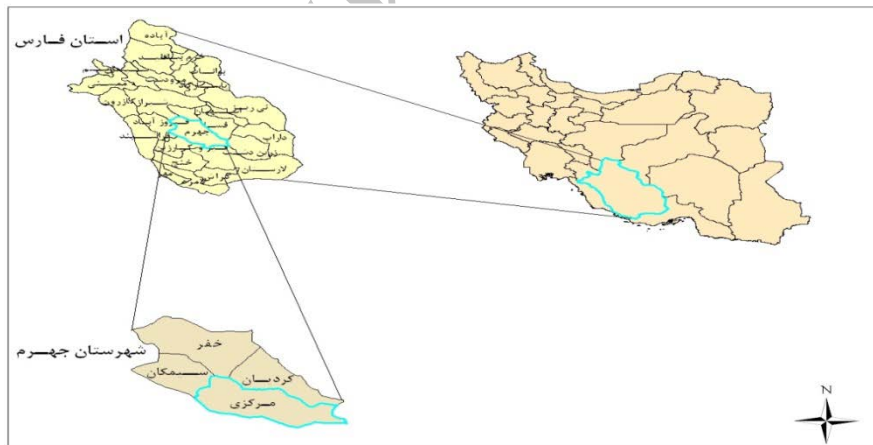
سرمایه فرهنگی: فرهنگ، بنا به تعبیر گسترده آن، عبارت است از یک نظام مشترک باورها، ارزش‌ها، رسوم، رفتارها و هنر که اعضای جامعه آن را به‌کار می‌برند تا خودشان را با یکدیگر و جهان پیرامونشان تطبیق دهند (نوری، ۱۳۷۹: ۳۹۱). مقصود از مفهوم «فرهنگ توسعه» فرهنگی است که با نیازهای رشد و توسعه هماهنگی داشته باشد؛ و این نکته نه‌تنها برای گسترش کمی سازمان‌ها و تأسیسات فرهنگی و هنری نیست، بلکه ایجاد زمینه برای مشارکت نسل‌های جدید در امر توسعه را نیز می‌رساند (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۱۴). در این میان، فرهنگ مشارکت به معنی مجموعه‌ای از خصایص فرهنگی و رفتارهای جمعی زمینه‌ساز مشارکت است که می‌توان از آن جمله به میزان و نوع اعتماد، وفاداری و تعهد اجتماعی، همیاری و همکاری (محمدی، ۱۳۷۶: ۴۵) و نیز به تساهل و تسامح فکری نسبت یکدیگر اشاره کرد.

در ارتباط با همیاری، برخی بر این باورند که همیاری مترادف اصطلاح «یارگیری» است. همیاری مشارکت عمومی روستاییان در انجام کارها و طرح‌هایی است که تمامی دست‌اندرکاران از آن سود و منفعتی مشترک می‌برند (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۸۶). تعهد را می‌توان وفاداری و داشتن هویت و احساس مسئولیت فردی شغلی و سازمانی دانست (آتش‌پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴). تعهد مدنی مستلزم وظایف متقابل و مسئولیت‌پذیری برای کنش است. با بهره‌گیری از هنجارهای همکاری‌های متقابل، می‌توان همکاری را

برای منافع متقابل تسهیل کرد، احساس مشارکت را در فرد گسترش داد، و بر میزان ترجیح افراد برای عمل جمعی افزود (قانع‌راد و حسینی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). تساهل و تسامح به معنی «به‌آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن» است. ماهیت این ویژگی فرهنگی در کنش مردم، بیان عقده افراد و تحمل اندیشه دیگران است که مشارکت مردم را تسهیل و ممکن می‌سازد.

### خصوصیات منطقه مورد مطالعه

بخش مرکزی شهرستان جهرم بین طول جغرافیایی ۵۳ درجه و صفر دقیقه تا ۵۳ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و پانزده دقیقه تا ۲۸ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی در جنوب این شهرستان جهرم واقع شده است. این بخش از شمال و شرق به بخش کردیان، از غرب به بخش سیمکان، و از جنوب به لارستان و قیروکارزین محدود می‌شود؛ و در مجموع، ۱۶۰ آبادی را دربرمی‌گیرد که از آن میان، ۸۹ آبادی مسکونی و ۷۱ آبادی نیز خالی از سکنه است. مرکز این بخش شهر جهرم واقع در ۱۸۵ کیلومتری جنوب شیراز است.



مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی استانداری فارس، ۱۳۸۹

شکل ۱- نقشه منطقه مورد مطالعه



### روش‌شناسی تحقیق

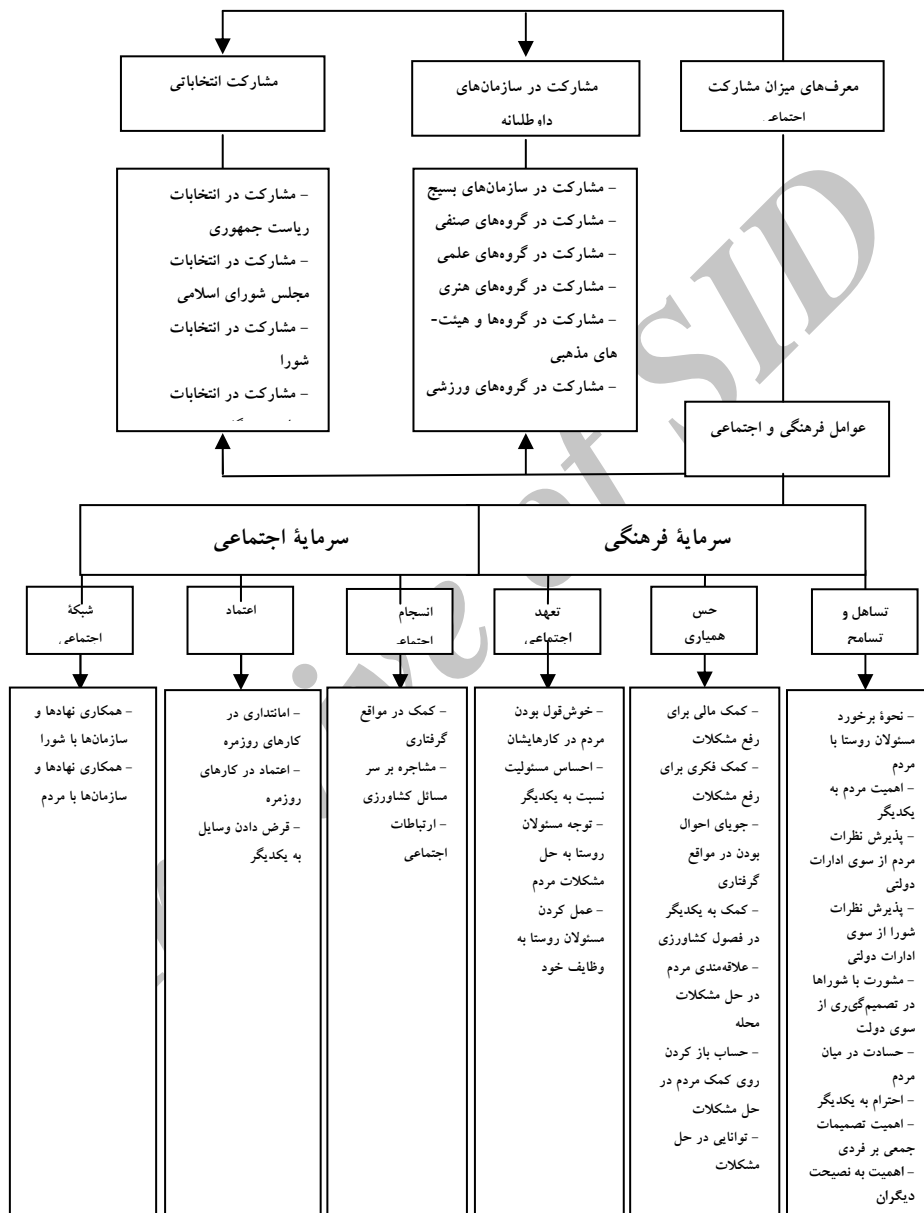
روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن با استفاده از روش‌های میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۲۵ روستای بالای بیست خانوار بخش مرکزی شهرستان جهرم با جمعیت ۱۱۷۷۴ نفر است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده که مصاحبه با آنها به تناسب طبقات جمعیتی، به صورت تصادفی ساده، در سطح ۲۵ روستا انجام پذیرفته است. در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، فرضیات زیر ارائه می‌شود:

- فقدان انسجام لازم اجتماعی مشارکت مردم را در فرایند عمل جمعی تضعیف کرده است.
- ضعف اعتماد عمومی در زمینه همکاری مشارکت خودجوش مردم را در فرایند عمران روستایی کاهش داده است.
- ضعف تعهد اجتماعی میان مردم باعث کاهش همکاری بین آنها شده است.
- میان «فقدان شبکه اجتماعی مشارکت» و «میزان مشارکت مردم» رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- فقدان تساهل و تسامح فکری مشارکت و همکاری بین مردم را کاهش داده است.
- بین «احساس همیاری میان مردم» و «همکاری و مشارکت خودجوش مردم» رابطه معنی‌دار وجود دارد.

### یافته‌های تحقیق

#### وضعیت مشارکت سکونتگاه‌های روستایی

با توجه به نتایج طیف شش‌گزینه‌ای پرسشنامه‌ها (خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، خیلی کم = ۱، اصلاً = ۰)، سطح مشارکت در زمینه ۲۹ شاخص و ۲۵ سکونتگاه روستایی بخش مرکزی شهرستان جهرم ۲/۹۰ بوده است. آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که اختلاف بین میانگین مشارکت روستایی و میانه نظری ۳ در طیف لیکرت معنی‌دار بوده و می‌توان گفت که سطح مشارکت روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم در حد پایین‌تر از متوسط است.



ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

### نمودار ۱- مشارکت مردمی و عوامل مؤثر بر آن

جدول ۱- وضعیت جمعیتی - طبیعی و مشارکت روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم

| وضعیت مشارکت | وضعیت طبیعی | جمعیت | آبادی      | وضعیت مشارکت | وضعیت طبیعی | جمعیت | آبادی      |
|--------------|-------------|-------|------------|--------------|-------------|-------|------------|
| ۳/۲۳         | دشتی        | ۲۰۸   | تقی آباد   | ۲/۷۳         | دشتی        | ۲۴۰۴  | نظام آباد  |
| ۳/۰۵         | کوهستانی    | ۱۸۵   | باغ گر     | ۳/۱۳         | دشتی        | ۱۱۵۰  | تل ریگی    |
| ۳/۰۳         | دشتی        | ۱۷۵   | اقبال آباد | ۲/۸۴         | دشتی        | ۹۹۷   | اسلام آباد |
| ۲/۸۴         | کوهستانی    | ۱۶۹   | رزک        | ۲/۹۶         | کوهستانی    | ۷۹۳   | کناردان    |
| ۲/۶۸         | کوهپایه‌ای  | ۲۱۰   | سه چاه     | ۲/۹۹         | دشتی        | ۷۶۴   | صادق آباد  |
| ۲/۷۱         | کوهپایه‌ای  | ۲۰۳   | پازنویه    | ۲/۷۳         | دشتی        | ۷۹۳   | برج        |
| ۲/۸۴         | کوهپایه‌ای  | ۱۶۲   | گلوبراق    | ۲/۵۲         | کوهپایه‌ای  | ۶۶۳   | مانبان     |
| ۲/۹۹         | کوهپایه‌ای  | ۱۳۷   | خرم آباد   | ۲/۸۸         | دشتی        | ۵۶۰   | حنا        |
| ۲/۷۰         | دشتی        | ۱۵۳   | نظر آباد   | ۳/۲۷         | دشتی        | ۴۰۵   | حسی آباد   |
| ۳/۰۷         | کوهپایه‌ای  | ۱۶۱   | رنجکو      | ۳/۳۱         | کوهپایه‌ای  | ۳۰۲   | رشید آباد  |
| ۲/۸۵         | کوهپایه‌ای  | ۱۳۸   | سروو       | ۲/۵۱         | کوهپایه‌ای  | ۲۶۳   | قلات       |
| ۲/۹۴         | کوهستانی    | ۱۶۸   | دشک        | ۲/۷۵         | دشتی        | ۳۱۹   | جدیر       |
|              |             |       |            | ۳/۰۰         | کوهستانی    | ۲۹۲   | موردک      |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- میانگین مشارکت و نتایج آزمون t برای تحلیل معنی‌داری آن

| استاندارد آزمون = ۳         |       |               |                     |    |       |              |         | میانگین مشارکت |
|-----------------------------|-------|---------------|---------------------|----|-------|--------------|---------|----------------|
| فاصله اطمینان تفاوت ۹۵ درصد |       | تفاوت میانگین | معنی‌داری (۲ دامنه) | df | t     | انحراف معیار | میانگین |                |
| پایین                       | بالا  |               |                     |    |       |              |         |                |
| -۱/۰۳                       | ۰/۱۸۵ | -۹/۸۰         | ۰/۰۳                | ۲۴ | -۲/۳۰ | ۰/۲۱۲        | ۲/۹۰    | ۲۵             |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

وضعیت مشارکت سکونتگاه‌های روستایی به تفکیک ابعاد و معیارهای سازنده آن برای به دست آوردن وضعیت مشارکت در هر کدام از ابعاد و معیارهای مورد نظر، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همان‌گونه که مطرح شد، عدد ۳ به صورت میانه نظری وضعیت مشارکت در ابعاد و معیارهای مورد نظر انتخاب شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که در هیچ‌کدام از ابعاد و معیارهای مورد نظر، میزان مشارکت بالاتر از میانه نظری نیست.

جدول ۳- نتایج آزمون  $t$  برای تحلیل معنی داری ابعاد مشارکت

| استاندارد آزمون = ۳ |       |         |              |        |      |                     |               |        |
|---------------------|-------|---------|--------------|--------|------|---------------------|---------------|--------|
| ابعاد               | تعداد | میانگین | انحراف معیار | $t$    | $df$ | معنی داری (۲ دامنه) | تفاوت میانگین |        |
|                     |       |         |              |        |      |                     | بالا          | پایین  |
| سرمایه فرهنگی       | ۳۸۴   | ۲/۶۲    | ۰/۵۳۸        | -۱۳/۸۱ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۳۷۹        | -۰/۴۳۳ |
| سرمایه اجتماعی      | ۳۸۴   | ۲/۳۷    | ۰/۵۶۰        | -۲۱/۸۴ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۶۲۵        | -۰/۶۸۱ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴- نتایج آزمون  $t$  برای تحلیل معیارهای مشارکت

| استاندارد آزمون = ۳ |       |         |              |        |      |                     |               |        |
|---------------------|-------|---------|--------------|--------|------|---------------------|---------------|--------|
| ابعاد               | تعداد | میانگین | انحراف معیار | $t$    | $df$ | معنی داری (۲ دامنه) | تفاوت میانگین |        |
|                     |       |         |              |        |      |                     | بالا          | پایین  |
| تسهل و تسامح        | ۳۸۴   | ۲/۷۶    | ۰/۵۸۲        | -۷/۸۹  | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۲۳۴        | -۰/۱۷۶ |
| حس همیاری           | ۳۸۴   | ۲/۵۹    | ۰/۶۲۹        | -۱۲/۵۸ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۴۰۴        | -۰/۳۴۱ |
| تعهد اجتماعی        | ۳۸۴   | ۲/۳۰    | ۰/۸۲۶        | -۱۶/۳۶ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -/۶۹۰         | -۰/۷۷۳ |
| انسجام اجتماعی      | ۳۸۴   | ۲/۰۴    | ۰/۵۵۲        | -۳۳/۷۴ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۹۵۲        | -۱/۰۰  |
| اعتماد              | ۳۸۴   | ۲/۸۰    | ۰/۹۸۲        | -۳/۹۳  | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۱۹۷        | -۰/۲۹۵ |
| شبکه اجتماعی        | ۳۸۴   | ۲/۳۳    | ۱/۰۱         | -۱۲/۸۲ | ۳۸۳  | ۰/۰۰۰               | -۰/۶۶۴        | -۰/۷۶۵ |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### وضعیت مشارکت سکونتگاه‌های روستایی به تفکیک شاخص‌های سازنده آن

برای تعیین وضعیت عملکرد شاخص‌های مشارکت روستایی در هر کدام از شاخص‌های مورد نظر نیز از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که میزان مشارکت در اکثر شاخص‌ها از میانه نظری کمتر بوده است (جدول ۵).

#### جدول ۵- نتایج آزمون $t$ برای تحلیل میزان مشارکت در شاخص‌های سازنده

##### سکونتگاه‌های روستایی

| شاخص‌ها                                    | $t$    | معنی‌داری<br>(۲ دامنه) | شاخص‌ها                                  | $t$    | معنی‌داری<br>(۲ دامنه) |
|--|--------|------------------------|--|--------|------------------------|
| نحوه برخورد مسئولان روستا با مردم          | -۴/۲۰  | ۰/۰۰۰                  | توانایی در حل مشکلات                     | -۳/۷۲  | ۰/۰۰۰                  |
| اهمیت نظرات مردم برای یکدیگر               | -۷/۳۴  | ۰/۰۰۰                  | خوش قول بودن مردم در کارهایشان           | -۱۱/۴۸ | ۰/۰۰۰                  |
| پذیرش نظرات مردم از سوی ادارات دولتی       | -۱۴/۶۲ | ۰/۰۰۰                  | احساس مسئولیت مردم نسبت به حقوق یکدیگر   | -۸/۸۸  | ۰/۰۰۰                  |
| پذیرش نظرات شورا از سوی ادارات دولتی       | -۷/۶۵  | ۰/۰۰۰                  | توجه مدیران روستا به حل مشکلات مردم      | -۱۰/۹۹ | ۰/۰۰۰                  |
| مشورت در تصمیم‌گیری با شوراهای از سوی دولت | -۱۲/۳۹ | ۰/۰۰۰                  | عمل کردن مسئولان روستا به وظایفشان       | -۱۷/۰۰ | ۰/۰۰۰                  |
| حسادت در میان مردم                         | ۶/۹۷   | ۰/۰۰۰                  | کمک در مواقع گرفتاری                     | -۸/۹۶  | ۰/۰۰۰                  |
| احترام به یکدیگر                           | ۰/۷۳   | ۰/۴۶۲                  | مشاجره بر سر مسائل کشاورزی               | -۳۷/۵۶ | ۰/۰۰۰                  |
| اهمیت تصمیمات جمعی بر تصمیمات فردی         | ۱۲/۵۱  | ۰/۰۰۰                  | اختلافات قومی و قبیله‌ای                 | -۳۹/۲۱ | ۰/۰۰۰                  |
| اهمیت به نصیحت دیگران                      | -۸/۸۲  | ۰/۰۰۰                  | ارتباط با دیگران                         | ۱۳/۲۸  | ۰/۰۰۰                  |
| کمک مالی برای رفع مشکلات                   | -۱۳/۴۹ | ۰/۰۰۰                  | امانتداری در کار روزمره                  | ۱/۲۵   | ۰/۲۱۲                  |
| کمک فکری برای رفع مشکلات                   | -۷/۷۶  | ۰/۰۰۰                  | اعتماد در کارهای روزمره                  | -۸/۲۷  | ۰/۰۰۰                  |
| جویای احوال بودن در مواقع گرفتاری          | ۲/۱۴   | ۰/۰۳۳                  | قرض دادن وسایل به یکدیگر                 | ۲/۳۴   | ۰/۰۱۹                  |
| کمک به یکدیگر در فصول کشاورزی              | -۲۶/۹۷ | ۰/۰۰۰                  | همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی با شورا | -۶/۸۴  | ۰/۰۰۰                  |
| علاقه‌مندی مردم در حل مشکلات محله          | ۱۰/۶۲  | ۰/۰۰۰                  | همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی با مردم | -۱۵/۲۹ | ۰/۰۰۰                  |
| حساب باز کردن روی کمک مردم                 | -۳/۹۳  | ۰/۰۰۰                  |  |        |                        |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای، دیدگاه ساکنان نسبت به وضعیت مشارکت تنها در چند شاخص مثبت بوده است، که از آن جمله می‌توان احترام به یکدیگر و امانتداری در کار روزمره اشاره کرد. از آنجا که مشارکت امری اختیاری، دلخواهانه و گزینشی است و در فرایند مشارکت، مردم سود و زیان خود را در نظر می‌گیرند، انتخاب آنها نیز بر مبنای سود و زیان فعالیت است که انجام می‌دهند؛ یعنی، مردم در زمان انتخاب و گزینش، رفتار عقلانی دارند. از این‌رو، شاخص‌های احترام به یکدیگر و امانتداری در کارهای روزمره در راستای کسب سود و منفعت نمی‌تواند در میزان مشارکت و انتخاب آنها به‌صورت متغیر تعیین‌کننده عمل کند؛ زیرا احترام مردم به یکدیگر در نواحی روستایی از دیرباز مرسوم بوده و به‌صورت عرف و هنجار درآمده است. از سوی دیگر، در جوامع روستایی، پایگاه اجتماعی افراد بر مبنای ریش‌سفیدی و سن و سال آنهاست و احترام به بزرگ‌تر و دیگران به‌منزله امری مقدس و ارزشی تلقی می‌شود. با توجه به اینکه در سکونتگاه‌های روستایی، اعتقاد به مسائل دینی از اصول اولیه تأثیرگذار در رفتار اجتماعی به‌شمار می‌رود و نیز از آنجا که امانتداری در کارهای روزمره در مناطق روستایی براساس مسائل شرعی صورت می‌گیرد، نمی‌توان آن را با مسائل دنیوی همانند مشارکت مردم - که رفتاری عقلایی تلقی می‌شود - تبیین کرد. به‌طور کلی، نتایج تحقیق در سطح سکونتگاه‌های بخش مرکزی شهرستان جهرم نشان می‌دهد که شاخص‌هایی همچون اهمیت تصمیمات جمعی نسبت به تصمیمات فردی، علاقه‌مندی مردم به حل مشکلات محله، و ارتباطات اجتماعی که در راستای تقویت فعالیت‌های جمعی است، دارای بیشترین سهم در تبیین میزان مشارکت مردم است. مشارکت، پیش از هر چیز، عمل و فعالیت جمعی است و اهمیت تصمیمات جمعی و علاقه‌مندی مردم به کارهای گروهی اصل اول برای مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ای است. شاخص‌هایی نیز وجود دارند که اهمیت کمتری در تبیین میزان مشارکت مردم دارند که از آن میان، می‌توان شاخص‌های اختلافات قومی و قبیله‌ای، مشاجره بر سر مسائل کشاورزی، و کمک به یکدیگر را یادآور شد. با توجه به اینکه اختیاری بودن مشارکت و دیگر ویژگی‌های آن که پیش‌تر بدان اشاره شد، شاخص‌های

قومی و قبیله‌ای و یا هر گونه اختلافات و مشاجرات در راستای کسب سود نیز نمی‌تواند در میزان مشارکت و انتخاب آنها به صورت متغیر تعیین‌کننده عمل کند. از آنجا که متغیرهای مشارکت انتخاباتی - که وظیفه‌ای ملی و تکلیفی شرعی تلقی می‌شود - و مشارکت سازمان‌یافته در تشکلهای رسمی و غیردولتی در قالب شاخص‌های سنجش میزان مشارکت در نواحی روستایی مبنایی حقوقی و قانونی و ماهیتی رسمی دارند، هر گونه مشارکت غیررسمی محلی مانند مشارکت در برداشت محصول و دیگر گونه‌های مشارکت از این طیف در مقابل ماهیت قانونی آنها رنگ می‌بازد و نمی‌تواند به صورت متغیری مؤثر در عدم مشارکت و مشارکت دارای نقشی برجسته باشد.

#### جدول ۶- میانگین امتیازهای هر شاخص

| رتبه | میانگین | شاخص‌ها                                    | رتبه | میانگین | شاخص‌ها                                  |
|------|---------|--|------|---------|--|
| ۱۶   | ۲/۵۸    | احساس مسئولیت مردم نسبت به حقوق یکدیگر     | ۱    | ۳/۶۷    | اهمیت تصمیمات جمعی بر تصمیمات فردی       |
| ۱۷   | ۲/۵۰    | اهمیت به نصیحت دیگران                      | ۲    | ۳/۵۷    | علاقه‌مندی مردم به حل مشکلات محله        |
| ۱۸   | ۲/۴۷    | کمک فکری برای رفع مشکلات                   | ۳    | ۳/۵۵    | ارتباط با دیگران                         |
| ۱۹   | ۲/۴۶    | کمک در مواقع گرفتاری                       | ۴    | ۳/۴۸    | حسادت در میان مردم                       |
| ۲۰   | ۲/۴۰    | توجه مدیران روستا به حل مشکلات مردم        | ۵    | ۳/۱۵    | جویای احوال بودن در مواقع گرفتاری        |
| ۲۱   | ۲/۳۹    | خوش قول بودن مردم در کارهایشان             | ۶    | ۳/۰۷    | امانتداری در کارهای روزمره               |
| ۲۲   | ۲/۳۵    | مشورت در تصمیم‌گیری با شوراهای از سوی دولت | ۷    | ۳/۰۵    | احترام به یکدیگر                         |
| ۲۳   | ۲/۳۳    | عمل کردن مسئولان روستا به وظایفشان         | ۸    | ۲/۸۵    | قرض دادن وسایل به یکدیگر                 |
| ۲۴   | ۲/۳۰    | همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی با مردم   | ۹    | ۲/۸۳    | توانایی در حل مشکلات                     |
| ۲۵   | ۲/۰۶    | پذیرش نظرات مردم از سوی ادارات دولتی       | ۱۰   | ۲/۸۰    | حساب باز کردن روی کمک مردم               |
| ۲۶   | ۲/۰۶    | کمک مالی برای رفع مشکلات                   | ۱۱   | ۲/۷۴    | نحوه برخورد مسئولان روستا با مردم        |
| ۲۷   | ۲/۰۵    | کمک به یکدیگر در فصول کشاورزی              | ۱۲   | ۲/۶۶    | همکاری نهادها و سازمان‌های دولتی با شورا |
| ۲۸   | ۲/۰۵    | مشاجره بر سر مسائل کشاورزی                 | ۱۳   | ۲/۶۰    | پذیرش نظرات شورا از سوی ادارات دولتی     |
| ۲۹   | ۱/۴۲    | اختلافات قومی و قبیله‌ای                   | ۱۴   | ۲/۶۰    | اهمیت نظر مردم به یکدیگر                 |
|      |         |  | ۱۵   | ۲/۵۸    | اعتماد در کارهای روزمره                  |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### تحلیل همبستگی ابعاد فرهنگی و اجتماعی و میزان مشارکت روستایی

برای بررسی همبستگی ابعاد سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت روستایی از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شده است. همبستگی میان ابعاد و سطح مشارکت نشان می‌دهد که بین «ابعاد سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی» و «میزان مشارکت در سکونتگاه‌های روستایی» رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در اینجا، فرهنگ مشارکت به معنی مجموعه‌ای از خصایص فرهنگی و رفتارهای جمعی است که زمینه‌ساز مشارکت محسوب می‌شود. حس همیاری نیز به معنی مشارکت عمومی روستاییان در انجام فعالیت و طرح‌هایی است که در آن، تمامی ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران از سود و منفعتی مشترک برخوردار باشند و در راستای مشارکت و حرکت جمعی ترغیب و تشویق شوند. براساس مقادیر به‌دست آمده از این شاخص با میانگین ۲/۵۹، میزان عدم مشارکت مردم در نواحی روستایی مورد مطالعه که میانگین آن ۲/۹۰ و کمتر از میانه نظری مورد نظر در پژوهش حاضر بوده است، توجیه می‌شود. فرهنگ تساهل زمانی مطرح است که اختلاف سلیقه و عقیده وجود داشته باشد و در غیر این صورت، تساهل معنایی ندارد. این ویژگی فرهنگی باعث می‌شود که مردم در زمان اختلاف عقیده به یکدیگر نزدیک شده، همکاری و مشارکت داشته باشند. نتایج به‌دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که میزان تساهل فکری در میان مردم در سطح پایین‌تر از متوسط با میانگین ۲/۷۶ قرار دارد و از این‌رو، با توجه به پایین بودن مشارکت در روستاهای مورد مطالعه، می‌توان آن را توجیه‌گر عدم مشارکت مردم در امور مختلف دانست. تعهد مدنی و اجتماعی مستلزم وظایف متقابل و مسئولیت‌پذیری برای کنش است. هنجارهای موجود در همکاری‌های متقابل و تشریک مساعی می‌توانند کنش مردم را برای کسب منافع متقابل تسهیل کنند و احساس مشارکت را در افراد گسترش و در نهایت، ترجیح افراد را برای عمل جمعی افزایش دهند. میانگین این شاخص در تحقیق میدانی ۲/۳۰ است و از این‌رو، با توجه به اهمیت تعهد اجتماعی در مشارکت رسمی مردم و نقش آن در تبیین اعتماد اجتماعی در میان مردم، شاخص مورد نظر دارای نقشی برجسته در عدم مشارکت مردم در نواحی روستایی مورد مطالعه بوده



است. کاهش اعتماد عمومی در نواحی روستایی از مهم‌ترین موانع در راستای تحقق مشارکت عمومی مردم و دستیابی به اهداف توسعه روستایی است. نتایج تحقیق بیانگر این است که میزان اعتماد عمومی در میان مردم نواحی روستایی مورد مطالعه کمتر از حد متوسط در نظر گرفته شده بوده که گویای بی‌اعتمادی مردم نسبت به یکدیگر و مسئولان است. نتایج نشان می‌دهد که میزان انسجام و همبستگی اجتماعی با میانگین ۲/۰۴ کمتر از حد متوسط مورد انتظار است که در میان سایر متغیرهای اجتماعی، نقشی مهم را در میزان فعالیت‌های جمعی ایفا کرده و در نتیجه، مشارکت را در سطحی پایین نگه داشته است. در تحقیق حاضر، دیگر متغیر مداخله‌گر اجتماعی «شبکه اجتماعی» بوده که عملکرد آن نیز پایین‌تر از حد متوسط مورد انتظار است و رابطه آن با میزان مشارکت مردم معنی‌دار است.

با توجه به مبانی پیش‌گفته و تحلیل همبستگی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت مردم، سرمایه اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۲۸۳ نقشی تعیین‌کننده در پایین بودن مشارکت مردم در منطقه مورد مطالعه دارد و سرمایه فرهنگی نیز با ضریب همبستگی ۰/۲۶۸ در رده بعد قرار می‌گیرد. بنابراین، چه‌بسا تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی و یا به اصطلاح مخرج مشترک توسعه در فرایند مشارکت‌گرایی مردم در توسعه روستایی دارای نقش برجسته باشد، زیرا مشارکت پیش از آنکه یک محصول باشد، یک عمل است و محصول این عمل توسعه است. زیرساخت هر عملی نیز در چارچوب نظری، تفکر و اندیشه است که از وجوه بارز فرهنگ در جامعه به‌شمار می‌رود. در این میان، نتایج تحقیق نیز این مهم را یعنی، همبستگی مشارکت به‌مثابه عمل و سرمایه فرهنگی و اجتماعی را تصدیق می‌کند.

جدول ۷- سطح معنی‌داری همبستگی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت روستایی

| نوع ارتباط | معنی‌داری<br>(۲ دامنه) | ضریب همبستگی | ابعاد فرهنگی و اجتماعی مؤثر در میزان مشارکت روستایی |
|------------|------------------------|--------------|---|
| مثبت       | ۰/۰۰۰                  | ۰/۲۶۸        | سرمایه فرهنگی                                       |
| مثبت       | ۰/۰۰۰                  | ۰/۲۸۳        | سرمایه اجتماعی                                      |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### آزمون فرضیات با استفاده از تحلیل همبستگی

تحلیل فرضیات پژوهش حاضر از طریق ضریب همبستگی پیرسون انجام شده و بر این اساس، در هر شش فرضیه که رابطه معیارهای مشارکت با متغیر وابسته مشارکت را بررسی می‌کنند، ارتباط تمامی معیارها با مشارکت معنی‌دار بوده است (جدول ۸).

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیات با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

| نوع ارتباط | معنی‌داری (۲ دامنه) | ضریب همبستگی | فرضیه  |
|------------|---------------------|--------------|--|
| مثبت       | ۰/۰۰۱               | ۰/۱۶۵        | تضعیف مشارکت مردم در فرایند عمل جمعی به دلیل فقدان انسجام لازم اجتماعی |
| مثبت       | ۰/۰۰۲               | ۰/۱۵۹        | کاهش مشارکت مردم در فرایند عمران روستایی به دلیل ضعف اعتماد عمومی      |
| مثبت       | ۰/۰۰۰               | ۰/۱۷۷        | کاهش همکاری بین مردم به دلیل ضعف تعهد اجتماعی                          |
| مثبت       | ۰/۰۰۰               | ۰/۲۶۰        | ارتباط بین فقدان شبکه اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی                   |
| مثبت       | ۰/۰۰۳               | ۰/۱۵۱        | ارتباط بین فقدان تساهل و تسامح فکری و میزان مشارکت اجتماعی             |
| مثبت       | ۰/۰۰۰               | ۰/۳۲۹        | ارتباط بین احساس همیاری و میزان مشارکت اجتماعی                         |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

### مقایسه میزان اهمیت معیارهای مشارکت

برای سنجش میزان تأثیر معیارهای مختلف در میزان مشارکت، از رگرسیون گام به گام استفاده شده و براساس نتایج به دست آمده، معیار شبکه اجتماعی با ضریب تعیین (R<sup>2</sup>) ۰/۶۷۹ دارای بیشترین تأثیر بر میزان مشارکت بوده است، به گونه‌ای که ۶۷/۹ درصد از تغییرات مشارکت را تبیین می‌کند. معیارهای اعتماد، تعهد اجتماعی، انسجام اجتماعی، حس همیاری، و تساهل و تسامح، به ترتیب، ۱۰/۲، ۸/۵، ۷/۲، ۳/۶، و ۱/۳ درصد واریانس میزان مشارکت را تبیین می‌کنند. نهادهای رسمی عبارت‌اند از نهادهایی که مشارکت افقی را امکان‌پذیر می‌سازند. از آنجا که بیشتر پارامترهای وارد شده در سنجش میزان مشارکت بر مشارکت در چارچوب نهادهای رسمی مردمی تأکید دارند، می‌توان نتیجه گرفت که شبکه اجتماعی با ضریب تعیین ۰/۶۷۹ دارای سهمی عمده در تبیین میزان مشارکت مردم است. از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی تعیین‌کننده میزان ارتباط مردم و نیز اعتماد و تعهد اجتماعی آنها نسبت به یکدیگر در درون و بیرون است که هر کدام دارای تأثیری به سزا در میزان همکاری و فعالیت جمعی است.

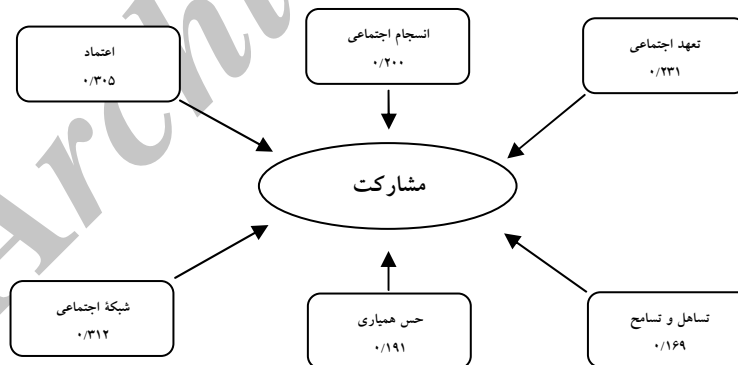
## جدول ۹- ضرایب رگرسیون برای بررسی تأثیر معیارها بر سطح مشارکت و تعیین اهمیت

## نسبی آنها

| ابعاد وارد شده به مدل | ضرایب رگرسیونی (B) | ضرایب رگرسیونی استاندارد (β) | مقدار t | سطح معنی داری |
|-----------------------|--------------------|------------------------------|---------|---------------|
| ضریب ثابت             | ۴/۱۱               |                              |         |               |
| شبکه اجتماعی          | ۰/۱۷۱              | ۰/۳۱۲                        | ۲۸/۶۴   | ۰/۰۰۰         |
| اعتماد                | ۰/۱۶۲              | ۰/۳۰۵                        | ۳۰/۱۲   | ۰/۰۰۰         |
| تعهد اجتماعی          | ۰/۱۵۱              | ۰/۲۳۱                        | ۴۷/۰۰   | ۰/۰۰۰         |
| حس همیاری             | ۰/۱۷۱              | ۰/۲۰۰                        | ۴۴/۸۹   | ۰/۰۰۰         |
| انسجام اجتماعی        | ۰/۱۸۶              | ۰/۱۹۱                        | ۳۲/۶۵   | ۰/۰۰۰         |
| تساهل و تسامح         | ۰/۱۵۶              | ۰/۱۶۹                        | ۲۱/۰۵   | ۰/۰۰۰         |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقدار بتای بدست آمده (β) برای معیار شبکه اجتماعی نشان می‌دهد که تغییر یک واحدی این معیار به اندازه ۰/۳۱۲ بر انحراف معیار میزان مشارکت سکونتگاه‌های روستایی تأثیر می‌گذارد. همچنین، معیارهای اعتماد (β=۰/۳۰۵)، تعهد اجتماعی (β=۰/۲۳۱)، انسجام اجتماعی (β=۰/۲۰۰)، حس همیاری (β=۰/۱۹۱) و تساهل و تسامح (β=۰/۱۶۹)، به ترتیب، بیشترین اثر خالص را در میزان مشارکت دارند.



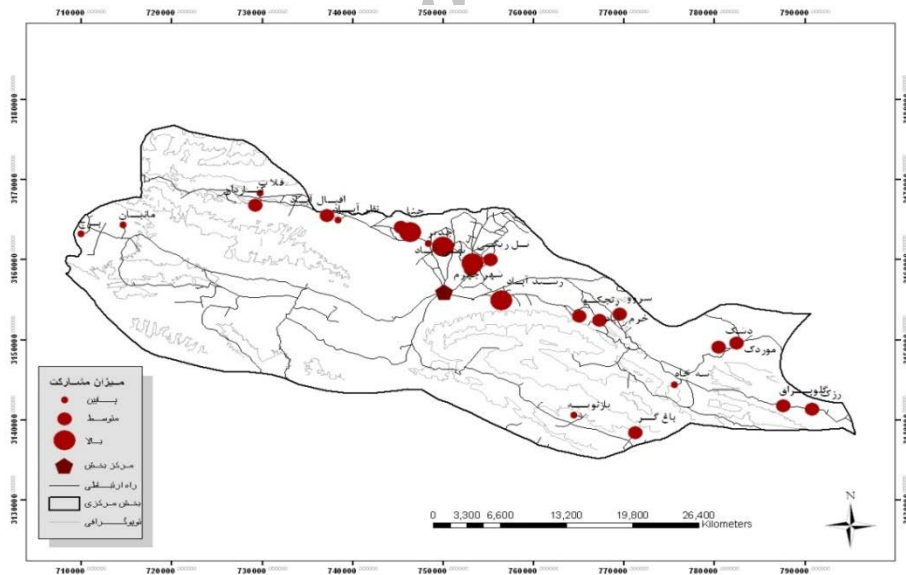
مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲- اهمیت نسبی معیارهای تأثیرگذار بر میزان مشارکت، براساس مقادیر استاندارد

شده بتا (β)

### تحلیل مکانی- فضایی میزان مشارکت مردمی

توزیع جغرافیایی میزان مشارکت مردم به‌گونه‌ای است که بیشتر روستاهای دارای وضعیت مشارکت مناسب‌تر در مناطقی با ارتفاع پایین‌تر از سایر سکونتگاه‌ها و بیشتر نزدیک به مرکز بخش قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که وضعیت روستاهای واقع در ارتفاعات، به‌علت شرایط نامساعد محیطی و عدم دسترسی آسان، مناسب نیست و بیشتر آنها با پیری جمعیت مواجه‌اند. این وضعیت به پایین بودن سطح سواد و آگاهی می‌انجامد که خود نقشی تعیین‌کننده در میزان مشارکت مردمی در نواحی روستایی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، شرایط محیطی و توپوگرافی نواحی دشتی دارای نقشی به‌سزا در سهولت دسترسی و میزان ارتباطات بوده، که نشان‌دهنده نقش «میزان ارتباطات و دسترسی» در مشارکت مردمی در منطقه مورد مطالعه است.



مأخذ: یافته‌های تحقیق

شکل ۲- نقشه توزیع جغرافیایی میزان مشارکت مردمی

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چنانچه مشارکت را عمل و تعهد فرض کنیم، آنگاه مشارکت محصول برخی پیش-عاملیت‌هایی است که در پژوهش حاضر، به صورت پیش‌شرط‌های فرهنگی و اجتماعی مشارکت تعریف می‌شوند. در واقع، سرمایه فرهنگی و اجتماعی به‌مثابه پیش‌نیاز مشارکت دارای نقشی مهم در پیشبرد اهداف آن در راستای توسعه نواحی روستایی است. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، میزان مشارکت با میانگین ۲/۹۰ در منطقه مورد مطالعه در سطح پایین‌تر از حد متوسط مورد انتظار قرار دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های اهمیت تصمیمات جمعی نسبت به تصمیمات فردی، علاقه‌مندی به حل مسائل و مشکلات محله، و ارتباط با دیگران، به ترتیب، با میانگین‌های ۳/۶۷، ۳/۵۷، و ۳/۵۵ در تبیین میزان مشارکت مردم سهمی بالا را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که تحقق مشارکت در گرو تقویت عمل جمعی است، جمع‌گرایی و میزان علاقه‌مندی به کارهای گروهی دارای نقشی به‌سزا در میزان مشارکت است. از سوی دیگر، ضعف شبکه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه عمده‌ترین عامل ضعف مشارکت در منطقه مورد مطالعه به‌شمار می‌رود. از عمده‌ترین پارامترهای مؤثر در کیفیت شبکه‌های اجتماعی نیز وجود و یا عدم وجود نهادهای مردمی و نحوه عملکرد آنها در جلب مشارکت مردم است. همچنین، ضعف میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی با ویژگی‌های فردی نیز قابل بررسی است. با این اوصاف، برای افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های عمرانی و توسعه روستایی، پژوهش حاضر راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌دهد:

- ۱- تقویت روحیه همکاری بین مردم از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی در زمینه توجیه منفعت فعالیت‌های گروهی؛
- ۲- ارائه مشاوره به مردم در انتخاب راهبرد مناسب برای فعالیت‌های مختلف؛
- ۳- تشویق کارهای گروهی موفق مردمی از سوی سازمان‌های متولی توسعه روستایی؛
- ۴- بسترسازی در زمینه ایجاد تشکل‌های مردمی؛ و

۵- تشویق سازمان‌های موفق غیردولتی از طریق ارائه وام‌های بانکی درازمدت با بهره کم، ارائه مشاوره، و برگزاری کارگاه‌های آموزشی بدون هزینه.

### یادداشت‌ها

1. Talcott Parsons
2. Putnam

### منابع

- آتش‌پور، سیدحمید؛ نادی، محمدعلی؛ و رحیمی‌نژاد، سیدپیمان (۱۳۸۷). *مدیریت سازمان با رویکرد روان‌شناسی سازمانی*. تهران: نشر علمی.
- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ بریمانی، فرامرز؛ اسکندری ثانی، محمد؛ و رمضان‌پور، صغری (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در روستاهای ادغام‌شده در شهر و روستاهای مستقل: موردشناسی روستاهای ادغام‌شده تریقان و روستای مستقل رزق‌آباد کاشمر». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۴۳-۶۲.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی». *نامه علوم اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۲۶.
- جباری، حبیب (۱۳۷۸). «مشارکت و توسعه اجتماعی». *مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی*، آبان ماه. تهران: وزارت کشور.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۲). «عوامل اصلی در فرایند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن». *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، سال ۸، شماره ۲۲.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۳). «مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی». *مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه*، ۱۹ و ۲۰ آذرماه ۱۳۷۰. تهران: سمت.
- حسینی، سیدامیرحسین؛ علمی، زهرا؛ و شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). «رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور». *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۶.
- دانش‌مهر، حسین و احمدرش، رشید (۱۳۸۸). «بررسی نگرش اجتماعی روستاییان نسبت به مشارکت اجتماعی». *مجله توسعه روستایی*، دوره ۱، شماره ۱.

- سلیمی، فاطمه (۱۳۸۹)، «مشارکت اجتماعی در مدرسه». *نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۳.
- شادی‌طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷)، «فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی». *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه*، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۳۵-۵۶.
- شاهرودی، علی‌اصغر و چیدری، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به مشارکت در تعاونی آبران». *علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۱۱، شماره ۴۲.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱، شماره ۲.
- عبدالهی، عیوض؛ چیدری، محمد؛ پزشکی راد، غلامرضا؛ و علیزاده، ندا (۱۳۸۸)، «تحلیل مشارکت تشکلهای مردمی در برنامه‌های ترویجی پیرامون توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی شوراهای اسلامی روستایی شهرستان‌های میان‌دوآب و شاهین‌دژ». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۲۷-۴۲.
- عنبری، موسی و حسنوند، احسان (۱۳۸۹)، «رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان‌یافته زنان در مدیریت روستایی: مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۳.
- قانع‌راد، محمدمین و حسینی، فریده (۱۳۸۴)، «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۳.
- کیانی، اکبر و میرزاپور، سلیمان (۱۳۸۸)، «بررسی افتراق فضایی- مکانی شهر و روستا در ابعاد سرمایه اجتماعی». *مجله علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی دانشگاه آزاد اهر*، سال ۹، شماره ۲۸.
- گل‌شیری اصفهانی، زهرا؛ خادمی، حسین؛ صدیق، رضا؛ و تازه، مهدی (۱۳۸۸)، «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۶۷.
- لاریجانی، فاضل (۱۳۷۶)، «توسعه پایدار و تحقیقات: رویکردی هنجارگرا». *مجله رهیافت*، سال ۷، شماره ۱۷.
- محمدی، مجید (۱۳۷۶)، *جامعه مدنی به‌عنوان یک روش*. تهران: نشر قطره.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و سخایی، فاطمه (۱۳۸۸)، «مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، سال ۴۱، شماره ۷۰.

- معاونت برنامه ریزی استانداری فارس (۱۳۸۹)، *آخرین تقسیمات کشوری شهرستان جهرم*. شیراز: استانداری فارس، معاونت برنامه ریزی.
- موسایی، میثم و شیبانی، ملیحه (۱۳۸۹)، «مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۰، شماره ۳۸.
- نوری، سیدهدایت الله (۱۳۷۹)، «ارتباط گفتگوی فرهنگ‌ها و محیط جغرافیایی». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، آذر ماه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- یزدان پناه، لیلا و صمدیان، فاطمه (۱۳۸۷)، «تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی». *نشریه مطالعات زنان*، سال ۶، شماره ۲.
- Coelho, Vera Schattan and Favareto, Arilson (2008), "Questioning the relationship between participation and development: a case study of the Vale do Ribeira, Brazil". *World Development*, Vol. 36, No. 12, pp. 2937-2952.
- Finger-Stich, Andrea and Finger, Matthias (2002), "Social factors enabling local peoples' participation in integrated management planning in the context of forested mountain territories". *Proceedings of the Research Course "The Formulation of Integrated Management Plans for Mountain Forests"*. Bardonecchia, Italy.
- Primmer, Eeva and Kyllonen, Simo (2006), "Goals for public participation implied by sustainable development, and the preparatory process of the Finnish National Forest Program". *Forest Policy and Economics*, Vol. 8, Issue 8, pp. 838-853.
- Titeca, Kristof and Vervisch, Thomas (2008), "The dynamics of social capital and community associations in Uganda: linking capital and its consequences". *World Development*, Vol. 36, Issue 11, pp. 2205-2222.